

بررسیهای بعدی پیرامون " فاجعه عید قربان " در روز سه شنبه یکم آذرماه نشان میدهد گذشته از آسیب دیدگانی که در اطلاعیه قبلی نام آنها ذکر شده بود آقایان احمد باستانی فرد - اسدالله - پورصالح - احمد چرمی - علی اصغر حاج بابا - ناصر خاکسار - علی خلیلیان - حاج سید علی دباغ - محمد رازی - حاج زمردی - احمد سفری - عبدالله سلطانی - حسین شاه حسینی - عباس شاهرودی - حسن شریف - علی اکبر طهماسبی - احمد عسگری - حاج علی اصغری - شکرالله فولادی - مجتبی قائم مقامی - حسین گلزار - عبدالمجید گودرزی - حاج محمود مانیان - محمد محمدی اردبالی - جواد محمدی حاج حسن نوری هر یک از ناحیه سر، دست و پا یا مهره های پشت دچار شکستگی شده اند .

چون در روز فاجعه ، پاسگاه ژاندارمری کاروانسرا سنگ از پذیرش شکایت زخمی شدگان خودداری کرده بود ، در بامداد روز چهارشنبه دوم آذرماه آقای داریوش فروهر از بیمارستان آبان طی تلگرافی به دادستان شهرستان تهران اعلام جرم نمودند ولی باوجود پی گیری دوتن از وکیلان برجسته دادگستری که وکالت ایشان و سایر آسیب دیدگان را بعهده دارند تا کنون هیچگونه اقدام قانونی بعمل نیامده است .

روزنامه های عصر چهارشنبه دوم و صبح پنجشنبه سوم آذرماه متن خبر دیکته شده همانندی را درج کردند و طی آن جمله نا جوانمردانه به زنان و مردان شرکت کننده در جشن را که در میان ایشان دهها استاد دانشگاه ، وکیل دادگستری ، قاضی و بازرگان وجود داشت به " کارگران " نسبت دادند و نوشتند " جمعی از کارگران کارخانجات که از محل اجتماع مذکور می گذشتند با مشاهده اجتماع این افراد متوقف شده و هنگامی که شعارهای آنها را که حاوی مطالب ضد ملی و مسائل ضد میهنی بود شنیدند با آنها درگیر شده و به زد و خورد پرداختند " .

گردانندگان این روزنامه ها در راه خدمت به دستگاه استبداد بکلی شعور اجتماعی خود را از دست داده اند و تصور می کنند می توان " رنجرهای گارد سلطنتی و کماندوهای ساواک " را که لباس شخصی برتن ، چماق و باطوم و شلاق در دست و بازوبند مارک رستاخیز و پوتینهای يك شکل داشتند و ستاد عطیاتشان پاسگاه راندارمری کاروانسرا سنگ بوده است ، کارگرانی که در روز تعطیل رسمی کارگری از کار باز می گشته اند ، جلوه داد و احساسات ملی آنها را سبب " فاجعه عید قربان " سال کنونی عنوان کرد .

مردم ایران که سال هاست با این دروغ پروازیها و نیرنگهای بیشرمانه آشنا هستند و بخوبی نشان داده اند که هرگز فریب دروغ های کوچک و بزرگ روزنامه های اجیر شده را نمی خوردند یکبار دیگر بسه قلمفرسائی این خودفروختگان خندیدند .



دستگاه استبداد اگر بتواند با روش وحشیانه خود برای مدتی زبانها را از گفتن ، دستها را از نوشتن و پاها را از رفتن با ز دارد بی گمان مغزها را از درست اندیشیدن باز نخواهد داشت .

عشق بی پایه نیشخوردن آهنگی نیست هوس ، " ن لیه غیبه هوس " ن هوس ن غیب و لیس

... مطالعاتی که در این باره صورت گرفته است ...

عصره ... ن لیه ... ن لیه ...

۵ آذر ماه ۱۳۵۶

اتحاد نیروهای جبهه ملی ایران

... ن لیه ... ن لیه ...

... ن لیه ... ن لیه ...

... ن لیه ... ن لیه ...

... ن لیه ... ن لیه ...

... ن لیه ... ن لیه ...

... ن لیه ... ن لیه ...

... ن لیه ... ن لیه ...

... ن لیه ... ن لیه ...

... ن لیه ... ن لیه ...

... ن لیه ... ن لیه ...

... ن لیه ... ن لیه ...

... ن لیه ... ن لیه ...

... ن لیه ... ن لیه ...

... ن لیه ... ن لیه ...

... ن لیه ... ن لیه ...

... ن لیه ... ن لیه ...

... ن لیه ... ن لیه ...

... ن لیه ... ن لیه ...

... ن لیه ... ن لیه ...

... ن لیه ... ن لیه ...

... ن لیه ... ن لیه ...

... ن لیه ... ن لیه ...

... ن لیه ... ن لیه ...

... ن لیه ... ن لیه ...